

کمیته مرکزی حکا ابزاری برای نابودی کومه‌له

انور م. نروژ

آخرین اطلاعیه‌ی کمیته‌ی مرکزی حکا در رابطه با یکسره کردن کار فراکسیون فعالیت بنام کومه‌له در واقع آخرین پرده سناریوی است که میتوان نقش رفیق سید ابراهیم علیزاده را در آن بروشنی دید. این اطلاعیه در واقع کومه‌له را با انشعابی ناخواسته روبرو ساخته است که متاسفانه آرزوی هزاران انسان مبارز، و خانواده‌ی جانباخته‌گان کومه‌له و کل مردم کردستان را به یاس و نومیدی مبدل نمود. من به اختصار تنها هدفم این است تا نقشی که ر. سید ابراهیم علیزاده در رابطه با انشعابات پیاپی ایفا کرده‌است بررسی نمایم. همه‌ی انسانهایی که با سیاست و سیستم فکری جریانات جهان سومی و بویژه خاورمیانه‌ای آشنایی دارند به نقش افراد مشخص و کاریزماتیک افراد در حفظ و یا تلاشی جریانی بخوبی مطلع هستند. به عنوان نمونه‌های زنده میتوان به نقش مام جلال در رهبری یکیتی نیشتمانی، مرحوم دکتر قاسملو در حدکا، خانواده‌ی بارزانی و بلاخره نقش زنده‌یاد منصور حکمت در رهبری طیف کمونیسم کارگری اشاره نمود. ر. سید ابراهیم نیز بعد از مرگ کاک فواد در واقع کومه‌له با نام او تداعی میشد و محبوبیت و توانایی او بر هیچ کس پوشیده نبوده و نیست. در همان حال نیز زحمات شبانه روزی این رفیق در رهبری و حفظ موجودیت کومه‌له تا مرحله‌ی انشعاب آقایان مهتدی و ایلخانی زاده نیز بسیار ارزنده و سازنده بود. اما ر. علیزاده بجای آنکه راه و روش مام جلال را در حفظ و رهبری یکیتی نیشتمانی دنبال کند به انتخابی نادرست دست زد که سرنوشت امروز کومه‌له را بایستی در این راستا دید. شاید از انصاف بدور باشد که مسئولیت همه‌ی این انشعابات را تنها به پای ر. علیزاده نوشت، اما کتمان این واقعیت که ایشان میتوانند بصورتی دیگر با مخالفین فکری رفتار کند نیز جایز نیست. من بطور مشخص ر. سید ابراهیم را بسیار دوست دارم و هنگامی نوشته‌ها یا مصاحبه‌هایش را میخوانم و یا او را ملاقات میکنم از منش و روش والای او حیرت میکنم. اما با این همه نمیتوانم نقش او را در صدور اطلاعیه‌ی اخیر و یا ایجاد زمینه برای انشعاب آقای عبدالله مهتدی را انکار کنم. من همین مطلب را بطور خصوصی و رودرو با ایشان در میان گذاشته‌ام.

شکی نیست که شرایط موجود، بی افقی و تحولات منطقه بسیاری را وسوسه نموده و یا واداشته است تا برای برون رفت و یا تاثیرگذاری بر روند موجود به تلاشهایی دست بزنند. خود ر. ابراهیم در این رابطه به روشنی در یک بحث خصوصی این واقعیت را بیان نمود و توضیح داد که چگونه رکود دوران انقلابی میتواند افراد و رفقای نزدیک را رودروی هم قرار می دهد، اما سؤال اینجاست چرا خود رفیق علیزاده بعنوان دبیر

اول کومه‌له و فردی صاحب نفوذ این زمینه را فراهم نمود تا کومه‌له بعد از انشعابات کمونیسم کارگری به چنین روزگاری برسد؟ با یک نگاه گذرا میتوان به جوسازیهای کنگره‌ی حکا بر علیه آقای مهندی اشاره نمود که عدم انتخاب او در کمیته‌ی مرکزی حکا باعث شد که آقای مهندی برخلاف رفقای فراکسیون وضعیت موجود را برتابد و قبل از روبرو شدن با تصفیه‌ای که ما اعضای فراکسیون با آن روبرو شده‌ایم، تلاش کند که حداقل بخشی از اعضای دوستدار کومه‌له را تحت عنوان بازسازی گرد هم آورد و بعداً با در انحصار گرفتن تشکیلات به تکرار همان تجاربی دست زد که خود توسط حکا و رهبری ر. علیزاده با آن روبرو شد.

اطلاعیه‌ی شتابزده‌ی کمیته‌ی مرکزی حکا برای اخراج فراکسیون با هر دلیل و برهانی استوار باشد، نه تنها غیر دمکراتیک و غیر سیاسی است بلکه انتخابی است که ر. علیزاده مصمم به انجام آن شده که مضمون و محتوای آن یعنی ترجیح آقایان پرتونوری بجای رفقای بنیانگذار کومه‌له میباشد. تئوریهای داهیانیه‌ی آقای پرتونوری که با انرژی تولیدی از متانول بر روی کاغذ آورده میشود مبین این است که حکا به چنین جماعتی نیاز دارد تا به کلوبی خانوادگی و خصوصیتز تبدیل شود و همگونی بجای چند گونگی و تعدد افکار و آراء حاکم گردد.

ر. علیزاده بزرگتر و طرفیتتر از آن بود که به چنین انتخابی دست بزند و خط مش تصفیه را بر علیه اعضای کومه‌له در پیش گیرد. بدینتریب میشود ادعا کرد که کومه‌له نیز اگر تا بحال توانسته بود به عنوان یک جریان اجتماعی در کردستان فعالیت نماید، از این پس کلوبی برای افراد بله قربان گوی بیش نیست. و این جای افسوس است که نسلی از انسانهای ناراضی که امید خود را به تشکیلاتی رادیکال بسته بودند، حالا بخاطر حفظ موقعیت اقتصادی و امنیتی خود با یک جریان نیمه پلیسی روبرو هستند که ارتباط با اعضای سابق کومه‌له، و یا برقراری رابطه با فعالین داخل و غیره را جرم محسوب نموده و هراسان دست به تصفیه‌ی آنان میزنند. من از چند و چون فعالیت رفقای فراکسیون در کردستان اطلاعی ندارم، اما حتی اگر ادعاهای مندرج در اطلاعیه‌ی ک.م حکا نیز درست باشند بازهم این سؤال باقی میماند که اینهه بوق و کرنا که گویا فراکسیون از تمام امکانات حزبی برای تبلیغ و نظرات خود میتوانند استفاده کنند، چه خریداری میتوانند داشته باشد. اگر رفقای فراکسیون با خرج خود خواسته‌اند نظراتشان را بگوش اعضای داخل و مردم کردستان برسانند جرمی مرتکب نشده‌اند. چون این جمع مبارزات ضد دیکتاتوری خود را بر علیه جمهوری اسلامی به پیش برده‌اند که منافاتی با برنامه و خط مش کومه‌له و حکا ندارد. ارتباط با دیگر اعضا سابق تشکیلات اگر جرم است پس کجاست آن روحیه‌ی تحمل و آزادی بیقید و شرط کار و فعالیت سیاسی؟؟

در هر صورت هنوز ر. علیزاده میتواند همچون امام جلال کومه‌له را حول رهبری خود با تمام جناح‌های انشعابی و حتی افراد منفرد جمع نماید بشرط آنکه به ترسیم خطوط قرمز و ایجاد فضای دینی و ایدئولوژیک پایان داده و برای یک کومه‌له‌ی متحد با افکار و آراء گوناگون تلاش نماید. در غیر اینصورت مسئولیت تکه و پاره شدن کومه‌له قبل از هر کس به‌عهده‌ی شخص کاک سید ابراهیم خواهد بود. من بدینوسیله نیز از پیوستن به هیچ جریان انشعابی تحت هر نامی خودداری خواهم کرد و در اعتراض به وضعیت موجود از عضویت در صفوف حکا نیز استعفا خواهم داد، چون ایجاد جریانات متعدد تحت نام کومه‌له تنها میتواند نشان از بی‌سروسامانی و عدم پایبندی به اصول رهبری جنبش رهاییبخش مردم در کردستان باشد.

۱۴.۰۳.۲۰۰۹